

چشم اندازی از اوپک در عصر جهانی شدن (مورد پژوهی: سازمان جهانی تجارت)

ناصر فرشاد گهر*

دانشیار گروه حقوق دانشگاه علوم اقتصادی

(تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۲۵ - تاریخ تصویب: ۸۸/۱۰/۲۰)

چکیده:

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و سازمان جهانی تجارت؛ دو سازمان بین المللی مشهور در عرصه اقتصاد جهانی هستند. با وجود این، دو سازمان مزبور اغلب دو نقش کاملاً متضاد را در اقتصاد ایفا می کنند: سازمان جهانی تجارت با قوانین خشن بازار و اوپک با دستکاری بین دولتی قیمت های نفت. اوپک نقش اساسی را به عنوان موسسه ای برای مذاکرات، قوانین و تعیین قیمت ها دارد و سازمان جهانی تجارت به عنوان سازمانی پیشرو در مذاکرات و قوانین برای تمام اقلام قابل تجارت است. این مقاله به بررسی این امر می پردازد که "آیا نظام تجارت چند جانبه بین المللی جایی برای تطابق با اوپک به عنوان یک سازمان دارد؟" همچنین نقاط اتصال این دو سازمان در اقتصاد بین المللی و نقش مورد انتظار از آنها در صنعت نفت را تجزیه و تحلیل می کند.

واژگان کلیدی:

اوپک، سازمان جهانی تجارت، بازار نفت، اقتصاد جهانی، قیمت نفت، سهمیه های مقداری، تولید نفت، عرضه، مذاکرات

پیشینه

سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) و سازمان جهانی تجارت (س.ج.ت.) از مشهورترین موسسات اقتصادی بین المللی هستند؛ گرچه با دو نقش کاملاً متضاد به هم وابسته هستند: س.ج.ت. در مقابله با قوانین گاه غیر قابل کنترل بازار و در مقابل آن، اوپک با تدارک قیمت های دستکاری شده، در بازار جهانی فعال هستند. بسیاری بر این باورند که اوپک و س.ج.ت. هیچ وجه اشتراک با هم ندارند. آنان اینگونه استدلال می کنند که حوزه مدیریت منابع نفتی اوپک هیچگونه ارتباطی به س.ج.ت. ندارد؛ این موضوع سوالی را به وجود می آورد که: آیا س.ج.ت. نقشی در بخش نفت دارد یا خیر؟

گمان بر این است که قیمت های بالای نفت دلیل بسیاری از رکودهای اقتصادی جهان در طول تاریخ است. نتیجتاً با دادن نقش اساسی به اوپک به عنوان مجمعی برای مذاکرات و سرانجام تعیین قیمت ها و نقش س.ج.ت. به عنوان نخستین مجمع مذاکرات و مقررات تجاری، در گستره تمام اقلام قابل معامله عمده، فضایی وسیع برای مسائل پیچیده حقوقی و سیاسی بین المللی به وجود می آید، از جمله این که: آیا س.ج.ت. نقشی برای اجرا در بخش نفت دارد؟ آیا می تواند با اوپک همزیستی داشته باشد؟ آیا یک کشور در آن واحد می تواند شرایط عضویت در هر دو سازمان را داشته باشد؟ عکس العمل کشورهای پیشرفته مصرف کننده نفت نسبت به تصمیمات اوپک چیست؟ و....

اوپک و سازمان جهانی تجارت: کلیات

در نگاه اول، چنین به نظر می رسد که هیچگاه دو موسسه نمی توانند بیش از اوپک و س.ج.ت. با هم تفاوت داشته باشند. در حالی که س.ج.ت. حقیقتاً سازمانی چند جانبه با بیش از ۱۵۳ منطقه و کشور و آماده برای ورود به هر کشور یا قلمرو گمرکی است. اوپک نیز سازمانی بین المللی متشکل از تنها ۱۱ کشور صادرکننده نفت است و فقط حاضر به پذیرش کشورهایی با صادرات قابل ملاحظه نفت خام است که اساساً منافی مشابه کشورهای عضو داشته باشند.

اوپک، سازمانی تک محصولی است؛ در حالی که س.ج.ت. فعالیت خود را در عمل در تمام حوزه های معاملاتی بین مرزی گسترش می دهد؛ حیطه موافقت نامه های س.ج.ت. با شروع از کالا به بخش های نوین هم چون خدمات، حق کپی رایب و اخیراً محیط زیست، رقابت، سرمایه گذاری، انتقال تکنولوژی و تجارت و امور مالی پیش رفته است. از این نظر در حالی که س.ج.ت. به راحتی می تواند به عنوان سازمانی چند بخشی توصیف شود؛ اوپک تنها به عنوان سازمانی تک بخشی است. اوپک و س.ج.ت. در فلسفه و سیاست بنیان حیات

نیز با هم اختلاف دارند و هم چنین متفاوت هستند در اهدافی که دنبال می کنند، ابزارها و اقداماتی که در پیش می گیرند تا به این اهداف دست یابند. شباهت‌ها میان این دو کاملاً به مواردی نسبتاً کم اهمیت تر همچون ساختار سازمانی و فرآیند تصمیم گیری محدود می شود.

بنیان‌های فلسفی

نظام س.ج.ت. بر مبنای نظریه مزیت نسبی و تجارت آزاد است و منافع متقابل را برای تمام کشورهای شرکت کننده تامین می کند. اوپک حاصل این باور است که تجارت آزاد در بخش مواد نفتی تنها به رقابت بی حاصل و خارج از کنترل در میان تولید کننده ها منجر می شود که در نهایت منافع متقابل آنها را نابود می کند و تنها راه اثربخش، بهره بردن از نفت کنترل دولتی است. طرفداران بازار آزاد باور دارند که س.ج.ت. در بازار ایجاد اعتماد کرده است؛ در حالی که اوپک بدگمانی به وجود آورده است. بنابراین، اساسی ترین نقاط واگرایی را تشکیل می دهد.

اهداف

اهدافی که این دو سازمان دنبال می کنند با یکدیگر متفاوت است. درجه اختلاف در این مورد به طوری قابل توجه هر چند مهم، بیش از واقع نمایان می شود. بخشی به علت تفاوت در شیوه ای است که دو سازمان اهدافشان را ارائه می کنند. س.ج.ت. در این امر دقیق تر عمل می کند. بر اساس مقدمه موافقتنامه ی س.ج.ت. اهداف این سازمان شامل بالابردن سطح استاندارد زندگی، تامین اشتغال کامل و حجم رشد با ثبات و بالای درآمد حقیقی، تقاضای موثر و گسترش تولید و تجارت کالاها و خدمات و است (اسکایز، ۱۹۹۸: ۵۷). از سوی دیگر اوپک در بیان اهداف خود صریح تر است. ماده ۲ اساسنامه اوپک اظهار می کند که هدف اصلی این سازمان حفاظت از منافع فردی و جمعی اعضای آن و تامین ثبات قیمت های جهانی نفت است.

ابزارها

ابزارهای بکار گرفته شده بوسیله این دو سازمان در راه نیل به اهدافشان نیز با هم در تعارض است. س.ج.ت. عموماً با کاهش دخالت‌های دولتی در جریان آزاد تجارت میان مرزها تلاش کرده تا رقابت را افزایش دهد. ممنوعیت کاربرد یارانه هایی که تجارت را از مسیر طبیعی خود خارج می کنند. محدودیت‌های مقداری در واردات و صادرات و تشویق برای کاهش یا حذف متقابل تعرفه‌های گمرکی از عمده ترین این موارد هستند.

اوپک از سوی دیگر، رقابت را با تصاحب سهمی از بازار در بین اعضا کاهش می‌دهد و در برابر قیمت‌هایی را تعیین می‌کند که کنترل برای مقادیر عرضه هماهنگ از این طریق امکانپذیر می‌شود. در تعقیب اهداف ثبات بهای نفت، اوپک از دو ابزار بهره‌جسته است: قیمت‌گذاری مستقیم (بین ۱۹۷۳ و ۱۹۸۵) و دیگری، مدیریت عرضه (از ۱۹۸۵) (رودریگز، ۲۰۰۲: ۱۵۷). کشورهای عضو اوپک طی توافقنامه‌ای با عنوان "توافقنامه شرافتی" در آوریل ۲۰۰۰ قیمت نفت را بین ۲۲-۲۸ دلار برای هر بشکه تنظیم کردند (میر، ۱۹۹۲: ۱۶). نتیجه اتخاذ شده در اوپک نگاهی مختصر به کارتل هیدروکربن شده است.

ساز و کارهای اجرایی

اوپک و س.ج.ت. ساز و کارهای اجرایی متفاوت را دنبال می‌کنند. در نظام‌های اجرایی گسترش نیافته اوپک، پیاده‌سازی تصمیمات به "منافع شخصی و اشتراکی"، وفاداری به تصمیمات اعضا و فشار همتایان سیاسی واگذار می‌شود. در س.ج.ت. نیز همانند اوپک وفاداری شایسته در مرکز نظام و سازوکار تجدید نظر بر سیاست تجاری جای دارد؛ سیاست‌های نظارت از طریق اعضا و خودآگاه‌سازی، یک نظام قوی به منظور رفع اختلاف به وجود آورده است و بیم از آخرین عمل متقابل آن را به موسسه‌ای چند جانبه موثر و اثربخش تا به امروز تبدیل کرده است.

روابط تاریخی

شاید بتوان گفت؛ تاریخچه روابط بین این دو سازمان که از طریق روابط میان اعضای برجسته‌شان قابل تمییز است؛ اگر دشمنی آشکار نباشد؛ بی‌اعتمادی دو جانبه بوده است. از دهه ۱۹۷۰، سلامت اقتصادی و سیاسی جامعه بین‌المللی بارها به علت نبود همکاری میان صادرکنندگان نفت (کشورهای اوپک) و واردکنندگان آن (اکثر اعضای س.ج.ت. / گات) به خطر افتاده است. در بسیاری از مناسبات، برخی از کشورهای تولیدکننده نفت تا جایی پیش رفتند که از منابع نفتی به عنوان ابزار جنگی استفاده می‌کردند. کشورهای توسعه‌یافته واردکننده نفت هم راه‌هایی گوناگون را از تشکیل کارتل کشورهای مصرف‌کننده تا تلاش برای نابود ساختن اوپک آزمون کرده‌اند (شیهاتا، ۱۹۷۴: ۵۹۱-۶۲۷).

سه کشور عضو اوپک - ایران، عراق و لیبی - که نه عضو س.ج.ت. هستند و نه تمایلی برای مذاکره دارند. کشورهای عضو اوپک، در طول زمان و به صورت ناهماهنگ، افزایش تمایل خود را برای نظام تجاری چند جانبه نشان داده‌اند. شش عضو از ۱۱ عضو کنونی اوپک (اندونزی، کویت، نیجریه، قطر، امارات متحده عربی و ونزوئلا) عضو س.ج.ت. شده‌اند. دو

کشور از این اعضا (الجزیره و عربستان سعودی) در حال مذاکره و توافقات هستند. آخرین و مهم ترین کنفرانس اجرایی س.ج.ت. ۱۹۹۵، به میزبانی قطر برگزار شد - کشور عضو اوپک و س.ج.ت. - و دوری جدید در مذاکرات تجاری به اجرا در آمده در دوحه به نام شهر برگزار کننده کنفرانس نام گذاری شده است .

اوپک اخیراً خود نظارت بر سازمان های مختلف س.ج.ت. همانند کمیته تجارت محیط زیست (کیسینگر و رنوال، ۱۹۹۹: ۶۶۸-۶۶۹) و کمیته تجارت و گسترش (گلدوین، ۲۰۰۲: ۲۴۵) را بر عهده گرفته است. اگرچه رابطه میان این دو سازمان هنوز هم ضعیف است. اما عربستان سعودی (با نفوذترین عضو اوپک) و الجزیره همچنان در حال مذاکراتی بر سر توافقات هستند. سه عضو مهم اوپک (ایران، عراق، لیبی) که در حدود ۲۰۲۲٪ از اندوخته نفت دنیا را در اختیار دارند و ۱۰۸٪ از تولیدات جهانی در سال ۲۰۰۰ را داشته اند با وجود اینکه هر سه به گونه ای تحت یک یا چند قانون دیگر می باشند؛ همچنان کاملاً خارج از نظام س.ج.ت. قرار دارند (والد، ۲۰۰۰: ۱۸۳).

فرآورده های نفتی و نظام س.ت.ج./گات

نقش نظام تجاری چند جانبه بر تجارت بین المللی فرآورده های نفتی همیشه مشخص نبوده است. به طور کلی، تجارت فرآورده های نفتی در میان اعضای س.ج.ت. گات به وسیله قوانین مستقیم تجاری همانند سایر محصولات کنترل می شود. فرآورده های نفتی هیچگاه آشکارا از حوزه توافقات تجاری چند جانبه مستثنی نشده اند؛ گرچه همایی چند عامل، در عمل، یک مورد استثنای تجارت بین المللی را در فرآورده های نفتی در نظام تجاری بالقوه به وجود آورده است. از مهم ترین آنها در این ارتباط فقدان منافع صادرات نفتی در بنیادهای گات و عضو نبودن صادر کنندگان عمده نفت در س.ج.ت. تا به امروز، فقدان تعهدات اجرای آزاد تجاری/ وارداتی از سوی اعضای س.ج.ت. /گات هستند؛ تعصب ذاتی نظام دسترسی به بازار، بی اثری آن در حوزه ی محدودیت های کمی صادرات و روند کنونی به سوی منطقه گرایی به عنوان راه حلی بوده است. این عوامل به ترتیب مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱) عدم عضویت صادرکنندگان عمده فرآورده های نفتی در س.ت.ج./گات

هیچ یک از صادر کنندگان بزرگ نفت کنونی در مباحثات برای تشکیل س.ج.ت. (ITO) و بالتبع شکل تجدید نظر شده آن در ۱۹۹۵ (WTO) حضور نداشتند. زمانی که اوپک در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰ در بغداد تشکیل شد، هیچ یک از پنج عضو موسس (کویت، عراق، ایران،

عربستان سعودی، ونزوئلا) طرف قرار داد با گات نبودند. البته این وضعیت با گسترش عضویت اوپک تغییر یافت. در همین راستا، از شش کشور عضو اوپک و س.ج.ت.، دو کشور قبل از اینکه عضو اوپک شوند، طرف معامله با گات بوده اند. (اندونزی، نیجریه، کویت، ونزوئلا، قطر و امارات متحده عربی) (الحاجی، ۲۰۰۱: ۱۹۸). اکوادور، عضو سابق اوپک راهی کاملاً متفاوت را در پیش گرفت: در ۱۹۷۳ عضو اوپک شد، عضویتش را در اوپک در سال ۱۹۹۲ به تعلیق انداخت و در ۱۹۹۶ به عضویت س.ج.ت. درآمد و مجدداً در سال ۲۰۰۶ به اوپک بازگشت. هر چند هنوز، پنج کشور مهم اوپک - الجزیره، عراق، ایران، لیبی و عربستان سعودی - هم چنان خارج از نظام س.ج.ت. قرار دارند.

مجموع اثرات این عوامل آن است که از متوسط ۳۰/۱۸ میلیون بشکه متوسط تولید روزانه نفت خام در ۲۰۰۱، بیش از ۱۵/۹۷ میلیون - یا در حدود ۵۳٪ - متعلق به پنج کشور اوپک است که هنوز عضو س.ج.ت. نیستند و این کشورها از لحاظ سهم در صادرات نفت خام اوپک، به تنهایی حدود ۵۵٪، پنج کشور اوپک که عضو س.ج.ت. نیستند در حدود ۶۰٪ سهم اوپک و ۳۳٪ از کل صادرات نفت دنیا را در اختیار دارند. در ارتباط با ذخایر نفتی در حالی که سهم کشورهای اوپک ۷۷.۸٪ از کل جهان است، این پنج کشور حدود ۶۱٪ سهم اوپک در ذخایر نفتی دنیا، یا حدود ۴۸.۱٪ از کل ذخایر دنیا را دار. علاوه بر این، دومین کشور بزرگ صادر کننده نفت در دنیا - روسیه - همچنان خارج از س.ج.ت. است. هر چند این کشور عضو اوپک نیست ولی معمولاً از تصمیمات محدودیت در تولید اوپک منتفع می‌شود، همچنین روسیه به عنوان کشوری شناخته شده است که اغلب با اوپک تباری می‌کند. اینها همه به این علت است که بخشی عمده از تجارت و تولید نفت در خارج از دسترس نظام تجارت چند جانبه رخ می‌دهد و این امر به علت عضو نبودن بسیاری از تولید کنندگان کلیدی نفت است.

۲) فقدان تعهدات ویژه آزاد سازی واردات در بین اعضای س.ج.ت. / گات

گات در سال ۱۹۴۷ به عنوان محصول خالص جامعه صنعتی (برگین، ۱۹۹۱: ۴۱۰) با هدفی مهم، تسهیل جریان تجارت محصولات صنعتی میان طرفین قرارداد عمدتاً صنعتی، ایجاد شد. در نتیجه جداول تعرفه ای طرفین قرارداد در گات به طور معمول به ندرت کاهش تعرفه و تعهدات اجباری در بخش نفتی را داشتند. بنابراین، اگر چه تعرفه های به کار برده شده در واردات نفت عموماً پائین هستند؛ اما کشورها آزادند آنها را تا سطح مورد نظر خود افزایش دهند (همانگونه که تا به امروز کشورهای نظیر ژاپن و امریکا بدین گونه بوده اند) و این در حالی است که آنها اجازه اجرای محدودیت‌های کمی در مقابل چنین وارداتی را ندارند.

۳) تعصب اصلی دسترسی به بازار س.ج.ت. / گات برای فرآورده ها

نظام تجاری با هدف دسترسی به بازار به عنوان هدف اصلی گات به وجود آمد. این امر کاملاً از توازن قوانین بین محدودیت‌های واردات (نگرانی صادرکنندگان از یک سو و محدودیت‌های وارد کنندگان از سوی دیگر) قابل تمیز است. ابزارهای تجاری که مقدار واردات مجاز را محدود می‌کند- که عموماً محدودیت‌های مقداری واردات نامیده می‌شود- موضوع ممنوعیت‌ها تحت تبصره دوم گات هستند. این ممنوعیت تمام موانع تجاری را پوشش می‌دهد که نوعی از حقوق گمرکی در مرزها هستند (بالوس، ۱۹۸۹: ۲۴۳).

۴) اصول غیر موثر س.ج.ت. / گات در اعمال محدودیت‌های مقداری صادرات با نگاهی به عملکرد اوپک؛ اصول و مبانی:

هر گاه قیمت نفت پائین تر از سطح قابل قبول اوپک است سازمان می‌تواند به هدف خود در تئوری، بوسیله وضع مالیات به صادرات یا کاهش عرضه یا ترکیبی از هر دو برسد. در عمل هر چند اوپک محدودیت توزیع را به وضع مالیات ترجیح می‌دهد همانگونه که پیش از این اشاره شد، از ابزارهای قیمت گذاری مستقیم (بین سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۸۵) و محدودیت عرضه (از سال ۱۹۸۵) استفاده کرده است. توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اعضای از س.ج.ت. که عضو اوپک نیستند مانند مکزیک، نروژ (لا، ۱۹۹۳: ۲۴۴)، به کرات حتی در همکاری با اوپک نیز از ابزارهای کاهش عرضه برای تاثیر بر قیمت‌ها استفاده کرده‌اند. اینها ابزارهایی هستند که عملاً می‌توانند به عنوان «محدودیت‌های مقداری» ماده ی ۲ گات تعبیر شوند.

در کاربرد محدودیت عرضه بوسیله اوپک به هنگام کاهش قیمت‌های نفت، هیئت نیمه اجرایی- اداری ژاپنی، استدلال (حداقل قیمت واردات) را در ارتباط با محدودیت‌های صادرات به کار بردند که بوسیله حداقل قیمت‌های صادراتی به وجود آمده است و به دین نتیجه رسیدند که آن موارد هم تخطی از ماده‌ی ۱۱ گات محسوب می‌شود (جکسون، ۱۹۹۵: ۹۴۶). اصول به کار رفته در ارتباط با محدودیت‌های واردات کالاها پائین تر از یک قیمت مشخص در ارتباط با محدودیت‌های صادرات پائین تر از قیمت‌های معین کاربرد دارد. پروفیسور آدلمن در اظهارات خود در دعوی ۱۹۷۹ علیه اوپک در کالیفرنیا عنوان کرده است محدودیت‌های محصولات برای اهداف حداقل قیمت کافی هستند. این امر موجب تخطی از ماده ۱۱ تبصره ۱ گات می‌شود. یک سلسله توجیهات قانونی موجه برای چنین اقدامی در نظام س.ج.ت. / گات وجود دارد که به آن می‌پردازیم:

(۱) محدودیت‌های صادراتی به منظور حفاظت از منابع طبیعی: استثنائات
 استثنائات گات به اعضا در بسیاری زمینه‌های خاص اجازه محدودیت صادراتی را می‌دهد
 و کشورهای اوپک نیز همراه با سایر کشورهایی که وضعیت مشابه دارند، می‌توانند با استفاده
 از ماده ۲۰ (g) از این موضوع دفاع کنند. از آنجا که ماده ۲۰ استثنائات مشروط و محدود را
 از شرایط ماهوی فراهم می‌کند، دادگاه حل اختلاف تعیین کرده است که این ماده باید بدون
 پیش‌دوری بررسی شود و طرف ادعا کننده این ماده باید اثبات آن را به عهده گیرد. بدان
 مفهوم که کشورهای عضو اوپک-س.ج.ت. برای توجیه کردن عمل خود باید قادر به اثبات
 این موارد باشند:

- اعمال محدودیت توزیع به منظور حفاظت از منابع طبیعی تجدیدناپذیر است؛
 - ثابت کنند که چنین اعمالی در جهت محدودیت در تولیدات و مصارف داخلی است.

(۲) ارتباط محدودیت توزیع با حفاظت منابع طبیعی تجدیدناپذیر
 قوانین موضوعه س.ج.ت. / گات فرآورده‌های نفتی را به عنوان منبع طبیعی تجدیدناپذیر
 مشخص کرده است و تنها سوال مهم این خواهد بود که آیا اقدامات مبنی بر تصمیمات اوپک
 به عنوان اقداماتی جهت حفاظت تعبیر می‌شوند یا خیر؟ اینکه اقدامی جهت محدود کردن
 استخراج نفت در جهت حفاظت است کاملاً واضح است در این جا پرسش این نیست که آیا
 سیاست کلی کاهش تولید، اقدامی حفاظتی محسوب می‌شود یا خیر؟ بلکه مسئله این است که
 این اقدام خاص کشورهای عضو اوپک که در پاسخ به کاهش قیمت است؛ می‌تواند اقدامی
 حفاظتی محسوب شود. پاسخ به این مهم در تفسیر دعوی سالمون/هرینگ به سال ۱۹۸۸ آن
 است. هیئت حل اختلاف به این نتیجه رسید که ماده ۲۰ (g) چگونگی حفاظت را مشخص
 نمی‌کند. چالش اعضای اوپک و س.ج.ت. این خواهد بود که ثابت کنند اقدامات آنها به
 منظور حفاظت از منابع نفتی است.
 (۳) محدودیت در تولیدات و یا مصارف داخلی

در صورتی که اقداماتی در راستای محدودیت‌های داخلی در تولیدات یا مصارف باشد
 تصمیمات محدودیت عرضه اوپک که بوسیله اعضایش گرفته می‌شود لزوماً از طریق کاهش
 تولیدات داخلی اجرا می‌شود؛ اما، در مواقعی مثل زمانی که سهمی عمده از تولیدات داخلی
 صادر می‌شود هرگونه محدودیت تولیدی در سطح داخلی بر بازار صادرات تاثیر می‌گذارد و
 بنابراین، دلیلی وجود ندارد که مصارف داخلی تحت تاثیر این تصمیم قرار گیرند. در صورتی
 که کشور های عضو اوپک بتوانند از موانع ایجاد شده بوسیله الزامات حفاظتی عبور کنند؛ آنان
 باید صریحاً ثابت کنند که اقدامات محدود کننده عرضه آنها هم جهت با تولیدات داخلی است.

تمایل در جهت اصلاحات منطقه ای

نظام تجاری، حمایت لازم را برای امنیت منافع انرژی تولیدکنندگان آن در نظر نمی گیرد. کنترل منابع انرژی بوسیله شرکت های غربی - که در روزهای تشکیل نظام تجاری گات چیره بود - به "موج ملی گرایی" در دهه ی ۱۹۷۰ (روندا، ۲۰۰۱: ۹) منجر شد. موفقیت اوپک در اجبار شرکت های بین المللی نفت صاحب امتیاز به قبول چیزی شد که از آن به عنوان " اصول مشارکت دولت در مناطق نفت خیز" یاد می شود و در نهایت موجب در دست گرفتن بیشترین کنترل توسط این کشورها شد" (رودریگز، ۲۰۰۱: ۱۶۸). این توسعه موجب از میان بردن فرض بنیانی بود که گات بر پایه ی آن قرار داشت. در واقع تا زمانی که منابع انرژی در دست غرب بود، گات نگرانی از بابت ضمانت دسترسی مناسب به چنین منابعی را نداشت. در پی این تحولات منطقه ای، تلاش ها فزونی یافت. برای مثال از دهه ۱۹۵۰ تاکنون از سه معاهده برپایی جامعه اروپا دو معاهده در رابطه با انرژی هستند (ویلریچ، ۱۹۷۷: ۲۰۲). توافقنامه منطقه آزاد تجاری سال ۱۹۸۸ میان آمریکا و کانادا و مکزیک بوسیله تلاش آمریکا به منظور اطمینان بخشی از امنیت منابع انرژی بوده است.

نظام تجاری معاهده منشور انرژی

معاهده منشور انرژی، توافقنامه ای بین المللی و اروپا-محور است که با هدف ایجاد بازاری آزاد و رقابتی تر در میان طرفین قرارداد از طریق تدوین خط مشی مذاکره شده در ارتباط با قوانین سرمایه گذاری، ترانزیت و تجارت در بخش انرژی به وجود آمده است. فرآیند این معاهده در ابتدا هدفی دوگانه داشت: از یک سو، تسهیل تجاری اتحاد جماهیر شوروی در بازارهای اقتصادی و از سوی دیگر، افزایش امنیت انرژی اروپای غربی. حفاظت سرمایه گذاری و تسهیل ترانزیت برجسته ترین مفاد عهد نامه هستند (والد، ۱۹۹۶: ۱۲۶-۱۲۴). بنابراین با توجه به روابط میان اعضای داخلی س.ج.ت، نظام معاهده منشور انرژی که یک یا دو عضو از آن در س.ج.ت. نیستند؛ همراه با برخی استثنائات به وسیله قوانین س.ج.ت. کنترل می شوند.

فصل انرژی منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی

شرایطی مشابه با معاهده منشور انرژی مبنی بر دسترسی به منابع را می توان در تکامل تدریجی توافقنامه های تجارت آزاد آمریکا در آمریکای شمالی مشاهده کرد. منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی (نفتا) یک فصل را ویژه ی تولیدات انرژی اختصاص داده است. فصل ۶ آن تقریباً به مفهوم معاهده منشور نزدیک است. بر اساس نیاز آمریکا برای تامین منابع انرژی از

همسایگان غنی از لحاظ انرژی، این فصل فراتر از گات رفته و تعدادی شروط مشخص را معرفی می کند که استفاده از عوارض صادرات را به شرح زیر ممنوع کرده است:

"هیچ یک از طرفین قرارداد نمی تواند هرگونه عوارض، مالیات یا هرگونه دریافت از صادرات هریک از انواع انرژی یا کالاهای اساسی پتروشیمی در قلمرو طرف قرار داد دیگر ایجاد نماید، مگر این که چنین عوارض، مالیات یا دریافتی برای مواردی چون: صادرات هرگونه کالایی در قلمرو سایر طرفین و یا هر گونه کالایی که برای مصارف داخلی معین شده، باشد."

همچنین افزون بر سایر اقدامات محدودکننده غیرگمرکی مرتبط به صادرات، نفتا الزامات را برای درخواست استثنائات مشابه با موارد گات تنگ تر می کند. (ماده ۱۱ (a) در ارتباط با کمبود اساسی محصولات مهم و ماده ۲۰ (g) حفاظت از منابع طبیعی تجدید ناپذیر، ماده ۲۰ (i) در دسترس بودن عرضه اساسی برای صنایع داخلی). مکزیک- کشور عضو منطقه آزاد تجاری شمال امریکا که معمولاً با اوپک در استفاده از ابزار های محدود کننده عرضه برای افزایش قیمت ها همکاری می کند- موفق به اعمال محدودیت مستثنی شده از کاربرد الزامات نفتا شده است. این نشان می دهد که توافقات منطقه ای نسبت به توافقات چند جانبه امنیت دستیابی به عرضه را بیشتر تامین می کند.

چالش های یکجانبه اوپک در ایالات متحده

دو نوع چالش قضایی و قانونی علیه اوپک در امریکا صورت گرفته است. در سطح قضایی، دو دعوی در دادگاه های امریکا مطرح شده است. نخستین مورد در اواخر سال ۱۹۷۸ بوسیله اتحادیه کارگری امریکا، به نام اتحادیه بین المللی کارگران هوافضا و اتومبیل، در دادگاه بدوی، بخش مرکزی کالیفرنیا مطرح شد. این اتحادیه بابت تخطی اوپک از قوانین ضد تراست ادعای خسارت کردند (هاسمن و اوربوج، ۱۹۹۳: ۷۱۹). دادگاه، اوپک را از این دعوی تبرئه کرد؛ چرا که از لحاظ قانونی نمی تواند مقصر باشد. در پایان، دادگاه هم چنین ادعای قرار منع را به دلیل فقدان اختیار قانونی بر مبنای قانون مصونیت حاکمیت خارجی مختومه اعلام و عنوان کرد که عمل مدعی علیه در اعمال محدودیت در استخراج منابع طبیعی ارزشمند عملکردی حاکمیتی بوده که آنها را امنیت کامل برخوردار می کند و نمی تواند به عنوان فعالیتی تجاری مستثنی در نظر گرفته شود. در درخواست استیناف، دادگاه عالی حکم محکمه قبلی را با تاکید بر دکترین حاکمیت دولت تایید کرد. دومین دعوی حقوقی در دادگاه بدوی - بخش شمالی آلاباما - در آوریل ۲۰۰۰ علیه اوپک به عنوان یک سازمان (و نه در خصوص اعضای آن) مطرح شد. این دعوی بوسیله کمپانی پرویت طرح شد که پمپ بنزین شهر بیرمنگام آلاباما را

در دست داشت. همانند دعوی پیشین، پرویت نیز به دنبال قرار منع فعالیت اوپک طبق قانون ضد تراست امریکا بود. دادگاه حکم داد که اوپک (یک اتحادیه غیر شرکتی) و زیر نظر قانون امریکا بوده و می تواند هدف قضاوت علیه شخص خاص قرار گیرد (نورمن، ۲۰۰۱: ۵۴-۷۴).

در طی مدت این تصمیم گیری قضایی، تلاشی قانونی بوسیله دو سناتور آمریکایی در کنگره امریکا با درخواست طرحی به منظور قادر ساختن دولت برای اجرای اعمالی علیه دولت های خارجی همانند کشور های اوپک به دلیل اعمال دسیسه آمیز نظیر تعیین قیمت یا تولید فرآورده ها و محصولات نفتی مطرح شد. " اوپک این روندها را به عنوان یک دعوی موهوم و مغایر با اصول بدوی قانونی "، محکوم کرد و در ۲۰ آوریل ۲۰۰۱ علیه تصمیم دادگاه بدوی شکایت کرد (اقدامی که حکم دادگاه را توقیف کرد).

اوپک و ریشه های امریکایی آن

امریکا، تولیدکننده مهم نفت خام تا به حال و صادر کننده ای خالص تا سال ۱۹۴۷ بوده است. به علت نظام حقوقی مالکیت خصوصی در امریکا مشکل حفاری رقابتی بیش از حد و بی نظم در صنعت نفت این کشور را برای مدت زیادی آزار و در دهه ی ۱۹۳۰ با اکتشاف ذخایر نفتی شرق تگزاس به نقطه اوج خود رساند. ایالات تولید کننده پیشین در آن زمان عمدتاً تگزاس، اکلاهوما، کانزاس و لوئیزیانا با بهره گیری از نظام قانونگذاری روشمند منطقه ای و بر حسب سنت تنظیم کردند. اگر چه ماده قانونی هر گونه محدودیت در تجارت بین ایالتی را مستثنی کرده بود، اما هر گونه محدودیت تولید اعمال شده بوسیله یک ایالت معمولاً با افزایش تولید سایر ایالات ناکارآمد می شد. بنابراین، نیاز به سلسله همکاری های میان ایالتی بود. این امر موجب شکل گیری مناسبات میان ایالتی با هدف مدیریت هماهنگی منابع با عنوان " معاهده ی بین ایالتی " نفت شد که یک تشکیلات بین ایالتی بود. فرمانداران و مدیران آنها برای ارزیابی موقعیت بازار ملاقات کرده و سطح تولید مجاز برای هر ایالت را تعیین می کردند (هووارد و دیگران، ۱۹۹۳: ۷۰۳-۷۰۲).

این نکته جالب توجه است که همیشه مخالفت هایی در به کارگیری سهمیه بندی وجود داشته است. این مخالفت همراه با تحت فشار قرار دادن ایالات مصرف کننده بوده است که از زمان پیدایش اوپک در ۱۹۶۰ عموماً معاهدات داخلی را با بین المللی اوپک یکسان فرض کرده اند. اعتراضی که همچنان حتی بعد از ۱۹۷۴ در تقابل با سیستم سهمیه بندی تولید بنزین وجود داشت (لیب کاپ، ۱۹۸۹: ۸۴۰).

اوپک و پرسیمان کارتل

کارتل را عموماً به عنوان «اجتماع تولیدکنندگان و فروشندگان که برای کنترل تولید یا قیمت یک محصول گرد هم می آیند» تعریف می کنند. برخی بر این باور هستند که کارتل می تواند از هر تولید کننده یا فروشنده ای، خواه دولتی و خواه شرکت های خصوصی یا ترکیبی از این دو تشکیل شود. با این نگرش چشم انداز کارتل بودن اوپک تبیین می شود. این گروه معتقدند مدیران موسس اوپک نیز معترف هستند که این هدف آغازین تشکیل اوپک بوده است (الحاجی و هاتر، ۲۰۰۰: ۱۱۶۴-۱۱۵۱). با وجود این، امروزه، اوپک اصطلاح کارتل را نپذیرفته است و عنوان می کند که کارتل نیست. چرا که: ۱. اوپک تنها نیمی از بازار نفت را کنترل می کند؛ ۲. اوپک تنها به قیمت های بالا و پائین نفت واکنش نشان می دهد (میکدشی، ۱۹۷۴: ۶). گرچه گروه اول این دلایل را برای کارتل نبودن اوپک کافی نمی دانند.

از دیدگاه قانونی مخالفین را نظر بر این است که هیچ حداقل سهمی در بازار به عنوان دلیل مورد نیاز برای اطلاق نام کارتل وجود ندارد؛ اما مهم تر از آن اینکه اوپک بیش از سه چهارم ذخایر نفتی جهان را کنترل می کند و عربستان سعودی نیز به عنوان تولید کننده شناور و پیروز واقعی هر رقابت قیمتی - در سایه کیفیت بالای نفت خام و کم بودن هزینه تولیدش - برای رد کردن این ادعا کافی است. در پاسخ به اوپک در مورد تصمیم گیری قیمت های بالا و پائین نفت نه تنها عکس العمل نسبت به قیمت های بالا کم تر است بلکه قیمت ها معمولاً به گونه ای است که در جهت تامین منافع بلند مدت اوپک می باشد. گرچه واکنش اوپک به افزایش بهای نفت در سال ۲۰۰۸ نشان داد که تصمیمات اوپک در راستای پرشتاب کردن افزایش بها نبود؛ اوپک در این برشگاه که آغاز تورم جهانی بود کاملاً سطحی عمل کرد.

با وجود پیش داوری در برابر اصطلاح "کارتل"، تنها نگاهی گذرا به شبکه توافقات اقتصادی بین المللی کافی است تا تشخیص دهیم که چگونه کارتلها و توافقات کارتلی به گونه ای گسترده برای افزایش منافع اعضا بارها به کار برده شده است. بسیاری از اعضای برجسته س.ت.ج. از اعضای توافقات بین المللی بر پائی کارتلها با ماهیت اوپک بوده است. ایالات متحده در بسیاری از موارد، توافقاتی با بسیاری کشورها برای محدود کردن تجارت از طریق سهمیه مقداری برای صادرات یا تعیین حداقل قیمت های صادرات منعقد کرده است. این امر نشان دهنده پیروی از ابزارهای تعیین بهای اوپک می باشد و درتخطی آشکار با قوانین گات است.

مذاکرات نا موفق اخیر فولادی میان اعضای برجسته س.ت.ج. با هدف محدود سازی تولید خارج از چارچوب س.ت.ج. (استوارت، ۱۹۸۱: ۶۵۸) و موجب حرکت شبیه و موازی اوپک در صنعت فولاد بود که تقریباً تمامی کشورهای توسعه یافته فولاد در آن حضور داشتند. به

درستی که دادگاه استیناف امریکا که در دعوی علیه اوپک در سال ۱۹۸۱ رای داد، این امر را آشکار کرد که "در حالیکه تباری برای توقف تجارت تحت قوانین داخلی بطور مشخص غیرقانونی محسوب می‌شوند، گزارش‌ها هیچگونه اجماع بین‌المللی را در جهت محکوم کردن کارتل‌ها، حق امتیازها و توافقات تولیدی نشان نمی‌دهد (رای، ۱۹۸۷: ۲۸۵)". پس هیچ ادله‌ای در جهت اثبات وجود چنین اتفاق نظری تا به امروز وجود ندارد.

نتیجه: باز اندیشی مناسبات

ابن نوشتار نشان داد که نظام تجاری بین‌المللی از آغاز به منظور دسترسی به بازار آزاد طراحی شده بود. هنگامی که تامین انرژی بعد از پیدایش اوپک به پرسمانی مبدل شد؛ نظام بازرگانی برای پاسخگویی مناسب به این مشکل ناتوان شد. در تلاشی برای غلبه بر این امر، اعضای برجسته گات/س.ت.ج تلاشی چند جانبه، به ویژه توافقات تجاری منطقه ای انتخاب کردند که ذاتاً بر اساس فلسفه تبعیض بود. این رویکرد نمی‌تواند راه حل دائمی برای مسئله تجارت انرژی باشد.

پروفسور جان جکسون یاد آور شده است که از دو هدف اساسی نظام تجاری در زمان پیدایش آن نخستین و مهم ترین هدفش جلوگیری از جنگی دیگر بود (بگواتی، ۲۰۰۲: ۱۲۰-۱۰۶). منطقه‌گرایی نمی‌تواند پاسخی مناسب در چنین بخش حساسی باشد. اعضای اصلی س.ج.ت. بهتر است به راه حلی در چارچوبی چند جانبه بیندیشند. شاید تنها چاره این امر تلاشی مثبت از سوی دو طرف برای پیدا کردن چند زمینه مشترک همکاری می‌باشد. اعضای س.ج.ت. باید دسترسی کشورهای اوپک که عضو آن نیستند را به جای ممانعت تسهیل کنند. این عمل نه تنها تولیدکنندگان نفت بیشتر را به نظامی از قوانین وارد می‌کند بلکه با جذب سرمایه‌گذاری‌ها، هماهنگی بیشتر با نظام تجارت جهانی، دسترسی بازار بهتر برای محصولات پتروشیمی به شیوه رقابتی فراهم می‌شود که مصرف کنندگان از آن سود می‌برند؛ تاثیرگذاری بر گسترش قوانین زیست محیطی و به کار بردن قوانین س.ج.ت. حفظ پاکیزگی محیط زیست داخلی موجب رسیدن کشورها به منافع قابل ملاحظه خواهد شد.

در عین حال، کشور های اوپک بدون آنکه حاکمیت تام خود را در مورد منابع نفتی زیر سوال ببینند شاید در مداخله خودشان در قیمت‌گذاری بازنگاری کرده و حتی متعهد به عرضه قیمت‌های پیش از مذاکره شده بشوند. این رویکرد هماهنگ با اهداف هر دو سازمان است. اوپک از طریق پذیرش حداقل عرضه به یکی از اهداف اساسی خود- که همان «اطمینان از ثبات قیمت‌ها در بازارهای بین‌المللی نفت با هدف حذف نوسانات غیرضروری است و مضر»- خواهد رسید (جکسون، ۲۰۰۱: ۶۸). علاوه بر این با تقبل تعهد حداقل عرضه یا فراهم

آوردن سایر اطمینان بخشی به کشورهای مصرف کننده، کشورهای اوپک توانا به تاسیس دنیایی خواهند بود که در آن هم چنان انتفاعی، اما نه به تنهایی وجود دارد. در عین حال تعهدی معتبر از سوی عرضه کنندگان و یک محیط سیاسی بین المللی مطلوب برای تجارت روان دو هدف اساسی س.ت.ج. به وجود می آورد. س.ج.ت. نیز می تواند انجام اقداماتی را جهت از بین بردن هراس‌های بی اساس کشورهای عضو اوپک در نظر بگیرد.

منابع و مأخذ:

Books:

- 1 - Bhagwati Jagdish. (2002), **Free Trade Today**. prinston university.
- 2 - Brown Given (ed.). (1990), **OPEC and the world energy**. market comprehensive referenc .(2nd ed.,longman).
- 3 - Jackson John .(1996), **world trade and the law of GATT**,(bobs erill).
- 4 - Mabro ,Roberto.(1992),**OPEC and the Price of Oil** .

Articles:

- 1- Alhaji. A.F.(2001), **What Have We Learned from the Experience of Low Oil Prices?**.15 opec review : Energy Economic and Related Issues.No.3.
- 2- Alhaji and huttner ,David.(2000), **Opec and other Commodity Cartels.A Comparison**. Energy Policy .No.15.
- 3- 'Big U.S.(1992),**Gas Producing States Fan Prorating Controversy**,oil and gas journal.
- 4- ECOSOC. (2001), **World Economic and Social Survey**.
- 5- ECT. (1998), **Transparency Document :Applicable Trade Provisions of the Energy Charter Treaty**.
- 6- Edward john ray. (1987), **the Political Economy of International Trade Law and Policy : changing patterns of protectionism :the fall in tariffs and the rise in non-tariff barriers**, journal of international law and business.Vol. 8.
- 7- European Commission.(2001),**green paper :towards European strategy for the security of energy supplies** .
- 8- Goldwyn .L .David.(2002), **The United States,Europe and Russia:Toward a Global Security Policy**.Eastwest Institute Policy Brief No.5.
- 9- Housman.F. Robert and Orbuch.M. Paul. (1993), **Integrating Labor and Environmental Concerns into the North American Free Trade Agreement a look back and a look ahead**. the American university journal of international law and policy, Vol. 8
- 10- Howard .J . and Meyers. N . Marshal. Norman. (1933),**Legal Planning of Petroleum Production:2 years of operation**.42yale la journal .
- 11- IEA .(2001), **energy policies of IEA countries**. norway review executive summery.
- 12- International Energy Agency.(2002), **Monthly Oil Market Report**.
- 13- Jackson John, Davey W. and Skyes. A . (1995), **legal problems of international economic relations:cases** , materials and text (3rd ed.,west publishing co.).
- 14- John h.Jackson.(2001), **the WTO constitution and proposed reforms:7Mantras revisited**, journal of international economic law . Vol 4,No.67
- 15- Lock Reiner .(1993), **symposium: Mexico-united states energy relations and NAFTA**. united states – Mexico law journal.
- 16- Norman . James. (2001), **gas station owner wins opec injunction**. Plats Oil Gram News.(Vol.79,No.620,march) .
- 17- OPEC .(2002), **forum**. opec bulletin,vol33.No. 2.
- 18- Landry Cathy . (2001), **senators seek anti0trustr move against opec** .Platt s Oil Gram News . vol.79.No.64.
- 19- Rodriguez. Ali.(2002), **The Future of OPEC: New Realities:An Open Letter** . Middle East Economic & Susvey,VOL.XLV,No26.

- 20 - Rodriguez Araqui . Ali.(2001),**Geopolitics of the International Oil & Gas industry and opec. at the Dundee international oil and gas conference** . university of Dundee ,Scotland.
- 21- Rueda . Andres. (2001), **price fixing at the pump-is the opec oil conspiracy beyond the reach of the Sherman act?** 24houston journal of international law1, Vol .24,No,1.
- 22- statement, secretly general of opec.(2001), **us congress bill against opec violates must basic principals** . opec press release No.6. (Vienna, Austria) .
- 23- UNCTAD. (2000),**Trade Agreements**.Petroleum and Energy Politics .(New York and Geneva).
- 24- Walde .Thomas. (2000), **Managing the Risk of Sanction in the Global Oil and Gas Industry:Corporate Response Under Political , Legal and Commercial Pressure** .Texas International Law Journal .(Vol.36).
- 25- Walde Thomas.(1996), **the energy charter treaty : an east-west gateway for investment and trade**. kluwer.
- 26- William. C . Smith.(2000), **save domestic oil,inc's crude oil market dumping petition: domestic and international political consideration**.tulsa journal of comparitive and International law.
- 27- WTO.(1995), **Analytical Index: guide to GATT law and practice**. (updated 6th ed.gennuva).
- 28- Yergin Daniel.(1991), **the prize: the epic quest for oil, money and power** (Simon & Schuster,london).

Internet Sites:

- 1- BP.(2008). statistical review of world energy .<http://www.bp.com/centres/energy>
- 2- OPEC,General Information,at <http://www.opec.org>.
- 3- <http://www.bp.com/centres/energ>.
- 4- <http://www.iea.org/omrep/index.htm>.
- 5- <http://www.fe.doe.gov/general/energypolicy.shtml>.
- 6- <http://www.mees.com/news/a45n26d01htm>.
- 7- <http://www.opec.org/>.
- 8- <http://eouropa.eu.int/comm/competition/anti0trust/cases/2001>.
- 9- <http://www.u.s.dojgov/atr/cases.html>.
- 10-<http://www.platts.com>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی